

تبیین الگوی خانواده در باروری با رویکرد تحلیلی و استناد بر آموزه‌های قرآنی

فاطمه فرهادیان^{۱*}، نرگس افشار^۲

۱. کارشناسی ارشد و مدرس حوزه علمیه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).

f.farhadyan.169@gmail.com

۲. دانش‌آموخته سطح ۲ حوزه علمیه اصفهان، اصفهان، ایران.

Nargesafshar2006@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۱/۶/۱۰]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۱/۱/۷]

چکیده

بر اساس داده‌های منتشرشده از سوی سازمان‌های مختلف جمعیت‌شناختی، نرخ باروری در بسیاری از کشورهای جهان و ازجمله در ایران در حال کاهش است. این امر می‌تواند ناشی از دلایل متعددی باشد. باوجوداین، دگرگونی‌های فرهنگی طی چند دهه اخیر، در میان سایر تغییرات، بیشتر از همه خودنمایی می‌کنند. رشد فردگرایی و تفکرات اومانیستی، تغییرات باورها و نگرش‌ها، رشد سکولاریسم، دگرگونی در ارزش‌های خانوادگی و تحول‌خواهی در زمره مهم‌ترین تحولات مرتبط با باروری است. هدف از این پژوهش، مطالعه عوامل مؤثر در باروری در حوزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی و تبیین الگویی برای خانواده در زمینه باروری با استناد بر شواهد معتبر و با تکیه بر آموزه‌های دینی است. براین اساس، روش تحقیق در این مطالعه، از نوع کیفی و به‌صورت فراتحلیلی است. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه کاملاً معناداری میان متغیرهای فردگرایی، مدرنیزاسیون، دین‌داری، سکولاریسم و ارزش‌های خانوادگی در خانواده‌ها و باروری وجود دارد؛ به این معنا که هر چه میزان التزام به باورهای دینی خانواده بیشتر، سطوح سکولاریسم و فردگرایی کمتر و هر چه میزان توجه به ارزش‌های خانوادگی بیشتر باشد، نرخ باروری در آن خانواده‌ها بیشتر است. در این میان مدرنیزه شدن و تبعات متأثر از آن بر خانواده و به‌ویژه زنان سهم زیادی در تغییر نگرش‌ها داشته است. بنابراین مهم‌ترین اصل، تغییر در نگرش، باور و ارزش و کنش در سه سطح فرد، خانواده و جامعه است. نگرش‌ها در طول زمان و یک فرایند تحولی شکل می‌گیرند و سپس به باورها و ارزش‌ها و نهایتاً به کنش تبدیل می‌شوند و زمانی که شکل گرفتند تغییر آن‌ها به‌سادگی امکان‌پذیر نمی‌باشد ازاین‌رو باید در این زمینه اقدامات مؤثری شکل بگیرد.

واژگان کلیدی: الگوی باروری، استنادات قرآنی، فراتحلیل، نگرش، کنش، ارزش.

۱- مقدمه

خانواده یکی از قدیمی‌ترین و درعین‌حال مهم‌ترین گروه‌ها در جوامع مختلف بوده است که هسته اصلی حیات اجتماعی جوامع را تشکیل می‌دهد. از کارکردهای خانواده ایجاد آرامش روحی و روانی برای اعضا و همچنین باروری و تولید نسل می‌توان نام برد (شیری و بیداریان، ۱۳۸۸). اثرات مدرنیته جامعه را دستخوش تغییرات عمده و جدی از جمله کاهش نرخ باروری نموده است. میزان و رفتار باروری یک جامعه می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد و در همین راستا افراد و به‌ویژه زنان ممکن است تمایلی به داشتن فرزند زیاد نداشته باشند؛ اما در واقع ارزیابی ارزش‌ها و منافع غیراقتصادی، بیشترین سهم در کاهش باروری را دو عامل فرهنگی و اجتماعی نشان می‌دهد. در حقیقت کاهش نرخ باروری می‌تواند نشان‌دهنده تغییر نگرش و افول ارزش‌های مرتبط با تولد فرزند بوده و در کنار آن معرف ارتقاء ارزش‌هایی همچون ارزش‌های فردی و تقویت خواسته‌ها در بین افراد باشد. در این بین نقش تغییر نگرش زنان در خصوص مسائل اجتماعی و خانوادگی و مخصوصاً نسبت به فرزندآوری به‌گونه‌ای است که نمی‌توان و نباید از آن غافل ماند. در جرایبی این تغییر نگرش باید به‌طور عمده بر گسترش و توسعه‌ی نوسازی و مدرنیته در سطحی جهانی و به‌موازات آن در جامعه‌ی ایران نیز اشاره نمود که به‌تبع آن تغییر نگرش، تغییر هنجارها، باورها و نهایتاً کنش افراد در جهت هم‌نوایی نهایی با نظام ارزش‌ها را به‌دنبال دارد.

مروری بر پیشینه مطالعات مربوط به مسئله باروری در ایران نشان می‌دهد پژوهش‌های متعدد و متنوعی در این زمینه نوشته شده است؛ در مقاله (عباسی شوازی و عسگری ندوشن، ۱۳۸۴) با استفاده از چارچوب نهادی تحلیل باروری، تأثیر ابعاد و تغییرات خانواده بر نگرش‌ها و رفتارهای باروری را با ارائه مطالعه موردی مورد بررسی قرار داده است. در مقاله (عباسی شوازی و فیروز کاوه، ۱۳۸۱) به بررسی روند چگونگی تغییر سیاست‌های اتخاذشده در زمینه کنترل جمعیت در ایران می‌پردازند. این مقاله شرایط و تحولات جمعیتی در کشور را متأثر از تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قبل و بعد از انقلاب دانسته است. مقاله (عباسی شوازی و حسینی چاوشی، مک‌دونالد و دالور، ۱۳۹۰) به بررسی روندها و تفاوت‌های باروری در ایران می‌پردازد و با برآورد میزان باروری در استان‌های ایران نتیجه می‌گیرد که شکاف شهری و روستایی در میزان‌های باروری در بسیاری از استان‌ها معنی‌دار نیست. در مقاله ضیایی بیگدلی و همکاران (۱۳۸۵) به مطالعه رابطه بین سطح باروری و توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی کشورهای مختلف جهان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هراندازه سطح توسعه‌یافتگی کشوری بالاتر باشد به همان اندازه میزان زادوولد و در نتیجه رشد جمعیت کشور کمتر خواهد شد. در پژوهش‌های صورت گرفته، تحقیقی که الگوی باروری را با رویکرد تحلیلی دنبال کرده باشد یافت نشد. از این رو این مقاله در تلاش است خلأ موجود را با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و با استناد به آمار و شواهد معتبر و با تأکید بر آموزه‌های دینی، مرتفع نماید.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

امروزه نهاد خانواده همپای تحولات اجتماعی دگرگون شده است. تغییرات نظام خویشاوندی و تغییرات باروری نیز نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی ساختاری جامعه و همچنین دگرگونی‌های ایدئولوژیکی است. هیچ نهادی نیز همانند نهاد خانواده علیرغم غایت پایداری که دارد، چه از منظر فردی و چه از منظر اجتماعی تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد. گرایش به باروری نیز در بین خانواده‌ها از نظر اجتماعی و بیولوژیکی (راد و ثوابی، ۱۳۹۴) دستخوش دگرگونی شده است.

پارسونز معتقد است «کنش اجتماعی در قالب هنجارها و ارزش‌های اجتماعی سازمان می‌یابد و هنجارهای اجتماعی، کنش فرد را در جهت هم‌نوایی نهایی با نظام ارزش‌های اجتماعی سوق می‌دهد» (چلپی، ۱۳۸۶). نظریه‌ی لی وین و شاو نیز از نظریه‌هایی است که در تبیین رفتار باروری، به مفهوم فرهنگ و نقش هنجارها و اولویت‌ها در رفتار اشاره کرده‌اند.

این دو معتقدند که «الگوهای فرهنگی و باورها، انتظارات مشترک یک جمعیت را درباره‌ی باروری و مرگ‌ومیر منعکس می‌نمایند». برای یک جمعیت خاص، عقلانیت فرهنگی الگوی باروری شامل مجموعه‌ای از مفروضات فرهنگی منطقی و گاهی غیرمنطقی (بازتاب‌دهنده هنجارهای سنتی) است؛ که همه آن‌ها در مجموع از سوی مردم پذیرفته‌شده و فعالیت‌های مرتبط با باروری همچون: تولد، شیردهی، فاصله‌ی فرزندان، مراقبت از کودک و ... را شکل می‌دهند (حسینی، حاتم و بگی، ۱۳۹۱).

بنابراین فرضیات گویای آن است که چنانچه تغییر در نگرش فرد و خانواده صورت بگیرد می‌تواند الگوی فرزندآوری را متحول کند. به همین خاطر است که در قرآن به اصلاح نگرش‌ها و جایگزین کردن باورهای صحیح تأکید شده است چراکه به تبع آن کنش‌های مثبت را به دنبال دارد (رعد: ۱۱). در اینجا گزاره‌هایی که منجر به این تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و کنش می‌شوند بیان می‌گردد و در ادامه الگوهای لازم جهت اصلاح آن ارائه می‌شود:

۱-۲- فردگرایی

عامل فرهنگی مؤثری که بیشترین میزان همبستگی را با گرایش به عدم فرزندآوری دارد فردگرایی است. ظهور فردگرایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین الگوهای توسعه‌ی غربی و خصایص جامعه مدرن از عوامل مهم و اثرگذار بر گسترش کنش کم فرزندآوری زنان است و این امر ساختار خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. فردی شدن فزاینده و تمرکز بر تمایلات انسان در فرهنگ مدرنیته، به تأکید بر اهمیت خواسته‌های شخصی و تمایلات او در برابر قواعد نهادها می‌انجامد. (پروینیان، رستم عزیزاده و حبیبی، ۱۳۹۷) به موازات نفوذ ارزش‌های و گفتمان‌های جهانی مبتنی بر اومانیسم، آنچه با سنت مغایرت دارد، مورد بازنگری قرار می‌گیرد و آداب و ویژه‌ای که هم در فرهنگ سنتی و اسلامی ایران دارای ارزش و جایگاه قابل ملاحظه‌ای است؛ مانند صلح‌رحم، داشتن فرزند زیاد، خویشاوند گسترده و ... مورد بازاندیشی قرار گرفته و ارزش‌هایی چون فردگرایی جایگزین آن می‌شوند (عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲). در فردگرایی منافع شخصی و شادکامی فردی تمام مناسبات و فرآیندهای اجتماعی را تعیین می‌کند و تفکر غالب خانواده‌های تک‌فرزند این‌گونه است (ملکوتی‌نیا، ۱۳۹۳). فردگرایی به‌عنوان یک متغیر تعیین‌کننده در قصد باروری در زنان نسل جدید و ارتباط با سایر عوامل مانند تحصیلات و اشتغال اثرات خود را بر نیات و رفتار باروری می‌گذارد.

درواقع رواج نگرش‌ها و الگوهای رفتاری جدید که فردگرایی جزئی از آن‌هاست، گفتمانی را به افراد و به‌ویژه زنان جامعه‌ی حاضر معرفی می‌کند که با گفتمان کنونی کم‌فرزندی در ارتباطی تنگاتنگ قرار می‌گیرد و از آنجایی که زنان عامل اصلی زادوولد به شمار می‌آیند، موقعیتشان در جامعه می‌تواند بر رفتار باروری آن‌ها تأثیرگذار باشد (شاه‌آبادی، سزایی، خلیج آبادی فراهانی، ۱۳۹۲). در بیشتر این مطالعات (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۳؛ عباسی شوازی و علی مندگاری، ۱۳۸۹) افزایش استقلال در کنار بهبود پایگاه اجتماعی-اقتصادی و به‌عنوان رکنی از آن در نظر گرفته شده که می‌تواند یکی از ابعاد مهم فردگرایی باشد. بنابراین، این‌طور به نظر می‌رسد که رواج فردگرایی در بین افراد و به‌خصوص زنان یکی از عواملی است که می‌تواند قصد آنان را در خصوص تعداد فرزند تحت تأثیر قرار دهد و زمانی که مادر شدن با ارزش تلقی می‌شد اکنون ارزش سابق خود را به‌خصوص در میان زنان تحصیل‌کرده و شاغل از دست داده است. چراکه بر اساس تفکر فردگرایی، کودکان سد راه پیشرفت فردی و اجتماعی هستند (عبودی، ۱۳۹۲).

۲-۲- تغییر سبک زندگی و مدرنیته شدن

نوتشتاین در این رابطه باور دارد که در سایه مدرنیزاسیون، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای خانواده‌ها نسبت به شکل‌گیری خانواده و فرزندآوری تغییر پیدا کرده است. به عبارتی شهرنشینی و صنعتی شدن باعث ایجاد سبکی از زندگی می‌شود که گرایش به فرزندآوری

و پرورش بچه‌ها را هزینه‌آور قلمداد می‌سازد و به تدریج ارزش‌های مربوط به داشتن فرزند زیاد را از بین می‌برد. رایدر در مطالعات خود کاهش زادوولد در آمریکا را ناشی از تغییر در هنجارهای مرتبط با خانواده، فرزند، ازدواج و به‌ویژه آگاهی زنان دانسته است. هائورن اظهار می‌دارد؛ در تمامی جوامع، آگاهی از کنترل موالید با شهرنشینی (محل تولد یا گذراندن دوران زندگی قبل از ازدواج در شهر)، تحصیلات بالاتر از حد متوسط و درآمد بیشتر از حد متوسط ارتباط مستقیم دارد چراکه تحصیلات با متغیرهای دیگری نظیر نگرش‌های نسبت به اندازه خانواده، هزینه‌ها و منافع فرزندان همبستگی قابل توجهی دارد. نتایج حاصل از تغییرات خانواده و کاهش باروری در خانواده در ایران نیز نشان داده است، زوج‌هایی که در محیط شهر پرورش یافتند، زنانی که از سطوح بالاتر تحصیلی برخوردارند و زنانی که در سنین بالاتر ازدواج می‌کنند، تعداد فرزندان کمتری دارند و به هنگام ازدواج باروری ایده‌آل پایین‌تری داشتند (راد و ثوابی، ۱۳۹۴) و این حاکی از آن است که زندگی شهری بر ایده‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای خانواده‌ها، از جمله رفتار باروری اثرگذار است و سطح باروری را محدودتر می‌کند (عباسی شوازی و حسینی چاوشی، ۱۳۹۰). یکی دیگر از دگرگونی‌های متأثر از مدرنیته، هسته‌ای شدن خانواده‌هاست. به این معنی که در گذشته، بودن مادرزرگ‌ها و پدرزرگ‌ها در کنار دختران و پسرانشان می‌توانست بار تولید نسل را به دوش کشد اما امروزه هسته‌ای شدن خانواده‌ها و نداشتن پشتوانه حمایتی خانواده در تمام جنبه‌ها و مسائلی از این دست موجب ترس از فرزندآوری شده است.

۲-۳- توسعه سطح آموزش

یکی از مهم‌ترین تحولات اقتصادی، اجتماعی چند دهه اخیر کشور که متضمن پیامدهای مهمی در زمینه جمعیت می‌باشد، توسعه آموزش است. آموزش و یافتن آگاهی مهم‌ترین کانال تغییر نگرش محسوب می‌شود به طوری که هم می‌تواند با قرار دادن افراد در جریان اندیشه‌ها و اطلاعات جدید منجر به تغییرات نگرشی و ارزشی گردد و هم می‌تواند مستقیماً ارزش و نگرش‌ها و عقاید را به سوی داشتن خانواده کوچک و تنظیم خانواده سوق دهد (کلاتری، بیک محمدی و زارع شاه آبادی، ۱۳۸۴). طبق نظر کوچران، تحصیلات زنان با نگرش‌های مثبت‌تر نسبت به کنترل موالید، آگاهی بیشتر در مورد جلوگیری از بارداری رابطه مثبت دارد. مطالعات بسیاری نیز نشان داده‌اند که افزایش سطح تحصیلات با تأخیر در فرزندآوری مرتبط است (رزاقی نصرآباد، ۱۳۹۵). همچنین نتایج مطالعات عباسی شوازی و علی مندگاری (۱۳۸۹) نشان داده است؛ یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد فاصله بین ازدواج تا اولین تولد، افزایش سطح تحصیلات است. در میان افراد بی‌سواد، نسبت افراد دارای فرزند در یک سال پس از ازدواج، بیشتر از گروه‌های دیگر است (رضایی‌نسب و فتوحی، ۱۳۹۶). مرور مطالعات نشان می‌دهد که متغیر تحصیلات، مهم‌ترین تعیین‌کننده زمان وقوع این پدیده است.

۲-۴- تحول خواهی و گرایش به فرآیند اجتماعی شدن زنان

گسترش تفکرات برابری زن و مرد، دعوت زنان به افزایش سطح تحصیلات و به دنبال آن، مطالبات اجتماعی، دعوت به رفاه‌طلبی و منع باروری، ترسیم زنان خانه‌دار به‌عنوان افرادی بی‌سواد، ناآگاه و بیکار؛ همگی جریان جهت‌داری را برای تغییر نظام ارزشی در جامعه ایجاد کرده است تا زنان را به سمت اشتغال بیرون از خانه سوق دهد. چنانچه یک زن اگر تمایل یا نیازی به حضور در اجتماع حس نکند، تن به این جریان دهد و علی‌رغم میل باطنی خویش صرفاً تحت فشار اجتماعی استنکاف کند. القای این فرهنگ که یک زن تحصیل کرده می‌بایست در اجتماع حضور یابد و مشغول کار گردد و کار خانگی و تربیت فرزند برای شأنیت یک زن با سطح علمی بالا شایسته نیست از جمله این فشارها و هنجارسازی‌های اجتماعی است. علاوه بر کسب موقعیت اجتماعی و رشد شخصیت، انگیزه‌های دیگری همچون؛ آموزش و کسب تخصص‌های لازم، مفید واقع شدن و اغنای حقیقی نیازهای روحی در ارتباط با انتقال تجربیات خود و کمک به اجتماع، ارتقای سطح فرهنگ خانواده، کمک به بهبود روش‌های تربیتی فرزندان، از طریق کاهش فشارهای

روانی و احساس رضایت از حضور مفید در اجتماع، بالا رفتن قدرت برنامه‌ریزی آن‌ها در اداره زندگی و ایجاد محیط آرام‌تر توأم با نشاط برای فرزندان از دیگر مواردی هستند که زنان را به صحنه‌های مختلف اجتماع می‌کشاند. در گذشته در بافت فرهنگی ایران ارزش زن به‌عنوان نقش مادری ارزیابی می‌شد و احترام و حمایت را در خانواده یا جامعه بزرگ‌تر با داشتن فرزندان زیاد به‌دست می‌آورد. این بافت در چند دهه اخیر تغییر یافته‌است. این تحولات گسترده که منجر به افزایش حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و همچنین افزایش استقلال و کسب موقعیت و پایگاهی بالاتر نسبت به دهه قبل شده است، زمینه تغییرات محسوس در کنش‌های باروری زنان را فراهم ساخته و باعث دگرگون‌شدن نقش مادری در خانواده شده است (صادقی، ۱۳۹۵).

از این‌رو می‌توان گفت افزایش چشمگیر مشارکت زنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان یکی از عوامل مهم و اثرگذار در رشد اقتصادی و در مقابل کاهش نرخ باروری بوده است (فطرس، نجمی و معمارزاده، ۱۳۹۶). این افزایش نرخ مشارکت و درصد زنان شاغل فرصت بزرگ کردن فرزند در مادران را می‌گیرد و نتیجه آن کاهش تمایل به باروری بیشتر در آنان است (مقصودپور، ۱۳۹۳).

۲-۵- افزایش سن ازدواج

توانایی باروری در زنان با افزایش سن به‌طور قابل‌توجهی کاهش می‌یابد. کاهش باروری در طول زمان و به‌طور تدریجی صورت گرفته و منجر به کاهش میزان بارداری و افزایش سقط می‌گردد. مطالعات نشان داده است که میزان ناباروری در ۳۴ سالگی حدود ۱۰ درصد بوده و این میزان در سن ۴۴ سالگی به ۸۵ درصد می‌رسد (بهجتی اردکانی، عباسی شوازی، شیدفر، معینی و آخوندی، ۱۳۸۶). عوامل مؤثر در کاهش باروری ناشی از بالا رفتن سن ازدواج می‌تواند متأثر از عواملی همچون: سخت‌گیری والدین و ناآگاهی آن‌ها از ضرورت ازدواج به‌موقع فرزندان، بالا بودن توقعات و انتظارات زوجین برای تشکیل خانواده و روحیه رفاهی‌گری و تجمل‌گرایی، ادامه تحصیل و کسب شغل، اعتقاد به داشتن زندگی آزاد در مجرد و اعتقاد به اینکه ازدواج باعث ایجاد محدودیت در بسیاری از خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها می‌شود، مشکلات مربوط به افزایش مهریه و مسائل اشتغال و بیکاری که مخصوصاً در ازدواج مردان نقش بسیار تعیین‌کننده ایفا می‌کند، می‌باشد (مرادی و صفاریان، ۱۳۹۱). تحقیق دیگری نشان داده ازدواج زنان در سن بالا موجب افزایش سطح انتظارات و توقعات و تمایل آن‌ها به تنظیم خانواده بیشتر است (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۳).

۲-۶- دگرگونی نگاه به نقش زنانگی و مادری

گذار به مادری تجربه جدید و منحصربه‌فردی برای زنان است. این تجربه در بستر گذار باروری با تغییراتی همراه بوده‌است. با دگرگونی‌های عصر حاضر وابستگی‌ها و دل‌بستگی‌ها در برخی از زنان و مادران کاهش یافته و امور دیگری مانند فعالیت‌های اجتماعی، اشتغال، درآمدزایی و پرداختن به تفریحات متنوع و... جای آن را گرفته‌است.

می‌توان مهم‌ترین دلیل این دگرگونی‌ها را تغییر نگاه ارزشی به نقش زنانگی و مادری دانست که در سال‌های اخیر به دلایل مختلفی فراگیر شده‌است. تحقیر نهاد خانواده، حاشیه‌ای و غیرمهم دانستن ارزش مادری، تأکید بر تساوی زنان و مردان بدون در نظر گرفتن جنسیت، نادیده گرفتن زحمات زنان در دوران بارداری، زایمان، شیردهی و پرورش نسل، رواج ارزش‌های مادی و فردگرایی که با فداکاری‌های مادرانه تناسبی ندارد همگی در طرد نقش مادری تأثیرگذار بوده است. برخی از جریان‌های روشنفکری، فردیت یافتن زنان را به معنای استقلال اقتصادی و خودآگاهی زنان و پایان بخشیدن به مادر بودن و همسر بودن و جنس دوم دیدن زن و بالاخره به رسمیت شناختن سروری زنان بر بدن خویش دانسته‌اند (نوری، ۱۳۹۳). از این‌رو، تولیدمثل و باروری که می‌توانست عامل کلیدی و جزء جداناپذیری از نقش زنان در خانواده و جامعه باشد؛ به دلیل تغییر موقعیت و جایگاه زنان در جامعه و به تبع آن تغییر نگاه آنان به نقش مادری، بر رفتار باروری‌شان تأثیر به‌سزایی داشته‌است. بدین ترتیب، اگرچه مادرشدن می‌توانست یکی از اصلی‌ترین نقش‌های

زنانه باشد؛ اما با تغییر این نگرش و با توجه به فرصت‌ها و نقش‌هایی که به‌طور موازی برای زنان دسترسی‌پذیر گردیده، مادرشدن دیگر به‌منزله نقش اصلی همه زنان شناخته نمی‌شود (ابوت و والاس، ۱۳۷۶).

۲-۶-۱- ناسازگاری نقش مادری و نقش شغلی کارمندی

از آنجایی که زندگی زنان شاغل با تولد اولین فرزند به‌شدت دگرگون می‌شود. مادران شاغل با دو نقش شاغلی و مادری روبه‌رو می‌گردند که گاهی اوقات این نقش‌ها در تضاد با هم قرار می‌گیرند. افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های عمومی، با توجه به نقش‌های جنسیتی و سنتی از پیش تعریف‌شده، نقش‌های تازه‌ای را بر نقش‌های قبلی آنها افزوده است؛ و تعهدات و مسئولیت‌های بیشتری برای آنها به دنبال دارد. زنان شاغل که در بیشتر موارد به‌طور هم‌زمان سه نقش همسری، مادری و شغلی را دارند، با انتظارات نقشی متفاوتی روبه‌رو هستند که باید قدرت پاسخگویی به همه آنها را داشته‌باشند. این احتمال وجود دارد که آنها با محوریت قراردادن یک نقش، برآورده کردن انتظارات نقش‌های دیگر را در حاشیه قرار دهند یا به ایفای انتظارات ایجابی اکتفا کنند (احمدی‌فراز، عابدی و آذربرزین، ۱۳۹۳). از این‌رو، همان‌طور که وود و نیوتن^۱ (۲۰۰۶) استدلال می‌کنند مادر شدن هزینه‌های بیشتری را به زنانی تحمیل می‌کند که شاغل‌اند یا به شغل یا حرفه خود بیشتر متعهدند. «نظریه انتخاب عقلانی» از جمله نظریه‌های تبیین‌گذار به مادری و تغییرات آن معتقد است؛ از آنجایی که فرزندآوری برای مادران تحصیل‌کرده و شاغل، هزینه فرصت بیشتری ایجاد می‌نماید در نتیجه، زنان برای اجتناب از این امر، فرزندآوری خود را محدود می‌کنند. «نظریه برابری جنسیتی» نیز معتقد است زنانی که قصد مشارکت در بازار کار را دارند نیازمند حمایت بیشتر از سوی خانواده خود هستند و چون به‌دلیل نقش‌های چندگانه در محیط کار و خانه دچار مشکل می‌شوند، درنهایت نقش‌های خانوادگی خود را محدود می‌کنند. «نظریه گذار دوم جمعیتی» نیز بیان می‌دارد که به‌دلیل تغییرات ایده‌ای و فرهنگی، جایگاه زنان متحول و مفهوم مادری تغییر کرده است (صادقی و شهابی، ۱۳۹۸).

اسحاقی و همکارانش در مطالعه خود استدلال می‌کنند که زنان شاغل به‌دلیل چالش‌های درون‌شغلی و برون‌شغلی متعدد و افزایش تضاد بین خانواده و کار، به جهت کاهش حمایت‌های خانوادگی در نگهداری فرزندان، راهبردهای تأخیر در فرزندآوری و کاهش تعداد فرزندان را درپیش می‌گیرند (اسحاقی، محبی، پاپی‌نژاد و جهاندار، ۱۳۹۳). از دلایل دیگر زنان شاغل برای عدم تمایل به فرزندآوری، نداشتن فرصت کافی برای تربیت و رسیدگی به امور فرزندان است (فرهادیان، ۱۳۹۹) در این راستا زمانی که خانواده با چالش‌هایی که در آن بستر مشکلات مالی و مسکن وجود دارد، مواجه می‌شود و تعداد زیاد اعضای خانواده و بالا بودن هزینه‌های فرزندآوری، مخاطره‌آمیز است، به‌طور مسلم استراتژی تک‌فرزندی انتخاب می‌شود (جهانگیری، احمدی، طبعی و ملتفت، ۱۳۹۳).

۲-۶-۲- نگرش منفی خانواده نسبت به داشتن فرزند

مفهوم ارزش فرزندان به‌دلیل متأثرشدن از تغییرات جامعه و زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی، در حال تغییر بوده و پیامدهای متنوع و گسترده‌ای به همراه داشته و بدین ترتیب تعیین‌کننده مستقیم انگیزه والدین برای داشتن تعداد خاص فرزند است (هاشمی‌نیا، رجبی و یاراحمدی، ۱۳۹۶). ارزش فرزندان برای شفاف‌کردن اهداف و انتظارات والدین درباره فرزندان، روابط و تفاوت‌های بین نسلی و مجموعه‌ای از عوامل نمایان‌کننده جایگاه فرزند در خانواده و جامعه اهمیت دارد. پژوهشگران علاقه‌مند به فهم پویایی‌های جمعیتی، ارزش فرزندان را از منظر والدین مطالعه می‌کنند. ارزشی که والدین از فرزندان درک می‌کنند، زمینه‌ساز انگیزه‌های بچه‌زایی و باروری است. علاوه بر این، اجرای بیش از دو دهه سیاست تحدید موالید در کشور و اقدام‌های گوناگون فرهنگی - اجتماعی سهم به‌سزایی در تغییر نگرش و رفتار خانواده‌ها در زمینه فرزندآوری به دنبال داشته است. بدین ترتیب اکثر زوجین در سال‌های نخستین زندگی ضرورتی برای فرزنددار شدن احساس نمی‌کنند و فرزندداری را مزاحم تحصیل، اشتغال، رفاه و رشد و پیشرفت خود می‌دانند. به

¹ Wood & Newton

همین دلیل حتی اگر مشکل مالی هم نداشته باشند حاضر به فرزنددار شدن نیستند (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۲). در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر رابطه ارزش فرزندان و باروری نشان می‌دهند هیچ تفاوتی بین گروه‌های مختلف شغلی زنان و زنان غیرشاغل درباره ارزش‌گذاری فرزندان وجود ندارد و بیشتر زنان، داشتن دو فرزند را مطلوب می‌دانند (مشفق و غریب عشقی، ۱۳۹۳). از سوی دیگر با گسترش روش‌های تولیدی و نهادهای اجتماعی غیرخانوادگی، ارزش و فایده اقتصادی کودکان و اتکای والدین به فرزندان در روزهای کهولت و گرفتاری کاهش یافته است (ترابی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین تغییرات نظام خویشاوندی و عدم تمایل به فرزند که نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ایدئولوژیکی است، سرانجامی جز کاهش فرزندآوری ندارد و این امر در کل سیستم جامعه و جمعیت اثر می‌گذارد. مطالعات نیز مؤید این مطلب است که بخشی از دگرگونی‌های فرهنگی ایران محصول تغییر نگرش بوده است و این امر در تغییر ارزش فرزند و فرزندآوری (سفیری، کمالی، فرجی، ۱۳۹۶) و به تبع آن کاهش باروری نمود داشته است.

در ادامه الگوهای پیشنهادی باروری ارائه می‌گردد:

۲-۷- التزام به باورهای دینی و پرهیز از نگرش سکولاریستی

یکی از عوامل مرتبط با باروری، باورهای مذهبی است. مؤلفه‌های دین‌داری در سه بعد؛ باور دینی، علائق و عواطف دینی و التزام به وظایف دینی تقسیم می‌شود و غالباً باورها محوری‌ترین بعد دین‌داری محسوب می‌شوند. باور دینی شامل زیر مؤلفه‌های پذیرش خداوند و صفات کمالیه او، پذیرش انبیاء، پذیرش زندگی اخروی یعنی معاد، پذیرش کتاب‌های آسمانی و احکام و قوانین خداوند و پذیرش ملائکه می‌باشد (لطیف‌نژاد رودسری، جعفری، تقی‌پور، خادم و ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۲)؛ اما دورکیم باورهای مذهبی را از نقطه نظر آثار و وظایف اجتماعی تعریف می‌کند (آرون، ۱۳۸۷) و بر مذهب را به عنوان یک نظام اعتقادی تعریف کرده و مذهب را به عنوان یک متغیر مستقل تأثیرگذار بر امور اجتماعی می‌داند. ایدئولوژی‌های مذهبی نظامی از ارزش‌ها و هنجارها در زمینه ازدواج، بعد خانوار، نگرش‌ها و بعد رفتاری باروری افراد را شکل می‌دهد (حسینی حاتم و بیگی، ۱۳۹۱). مطالعات به‌ویژه در جوامع اسلامی نشان داده عوامل سنت، فرهنگ و مذهب و فارغ از تفکرات سکولاریستی، بر تصمیمات باروری مؤثر بوده‌اند. مطالعات در ساحل آفریقا و در کشور غنا بیانگر تأثیر مذهب و سنت آنان بر افزایش باروری است. در ایران در چهار استان کشور، بررسی تحولات باروری نشان داده که مذهب یکی از فاکتورهای مؤثر بر باروری در هر منطقه است و سن باروری در زنان سنی بیشتر از زنان شیعه بوده است (خدیوزاده و ایرانی، ۱۳۹۵). همچنین در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که متغیر گرایش دینی بالاترین تأثیر را بر گرایش به فرزندآوری در بین جوانان داشته است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹).

آن دسته از گروه‌های مذهبی که معتقد به آموزه‌های دین در زمینه عدم استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی و ممنوع و حرام بودن سقط‌جنین هستند و از طرفی داشتن فرزند زیاد را ارزش می‌دانند، باروری بالاتری نسبت به گروه‌های که استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری را برای پیروان خود مجاز می‌شمارند، دارند. این مطالعات همچنین نشان می‌دهند که افراد مذهبی بیشتر مایل هستند که با افزایش باروری به ازدیاد نسل مسلمانان کمک کنند و از دیدگاه برخی از افراد مذهبی، استفاده از روش‌های تنظیم خانواده مجاز نیست و مخالفت با اراده خداوند است (خدیوزاده و ایرانی، ۱۳۹۵).

زوجین دین‌دار با عنایت به کارکردهای معنوی توکل به خدا با آرامش و اطمینان قلبی و عزت اجتماعی بر بسیاری از ترس‌ها و موانع در مسیر فرزندآوری فائق می‌آیند و در راه آوردن فرزند بیش‌تر گام برمی‌دارند (سلیمانی، کیانی و عابدی، ۱۳۹۸). آن‌ها چون در تأمین معاش به پروردگار به عنوان «رزاق و روزی دهنده» (هود: آیه ۶، انعام: آیه ۱۵۱، طه: آیه ۱۳۲) باور دارند و به تعهد و ضمانت ذات اقدس پروردگار اعتماد دارند، می‌دانند سهم و نصیبی که باید به مخلوقات برای ادامه بقای خود برسد، فراهم می‌شود و هیچ نگرانی در این رابطه ندارد. علاوه بر این‌ها زوجینی که ملتزم به باورهای دینی هستند براساس آموزه‌های الهی (آل‌عمران: ۳، ۳۸، ۳۹ و مریم: ۱۹، ۵، انبیاء: ۲۱، روم: ۲۰)، هدف اصلی آمیزش جنسی را تشکیل خانواده و باروری می‌دانند و به ازدواج به‌هنگام رو می‌آورند و با عنایت به

ارزشمند بودن فرزندآوری، کمتر مانع پیشگیری از بارداری می‌گردند. آن‌ها همچنین در تحکیم خانواده تلاش می‌کنند تا از بروز اختلاف و فروپاشی آن‌که مانع دیگری در باب کاهش فرزندآوری است، جلوگیری می‌نمایند.

۲-۸- ارزش دادن به جایگاه مادری و تغییر نگرش اومانیستی

به نظر می‌رسد چنانچه برنامه‌های جمعیتی بتواند فرزندآوری را از رقابت با تظاهرات خودتحقق‌بخشی و فردگرایی شامل تحصیلات، اشتغال و سایر فعالیت‌های اجتماعی خارج کند، شاید بتوان نگرش نسبت به فرزندآوری را در نسل‌های جدید در جهت مثبت تغییر داد. در چند دهه اخیر با گسترش فعالیت‌های جریان‌های ضد خانواده و به‌ظاهر طرفدار حقوق زنان، الگوهای نوین برای تغییر باور و نگاه زنان به ماهیت و نقش زنانگی و مادری ارائه کردند (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۲) تا آنان را به بهانه‌های مختلفی از جمله تناسب‌اندام از فرزندآوری یا شیردهی منع کنند (همان). در صورتی که یکی از مهم‌ترین نیازها و قابلیت‌های زنان روح پرورش دهندگی و مادری است و به گفته روان‌شناسان غریزه مادری طبیعی‌ترین غرایز و تکامل زن و سلامت او با مادر شدن امکان‌پذیر است. مهم‌ترین عرصه تجلی و بروز عاطفه و احساس، مادری کردن است. طبیعی بودن این غریزه باعث می‌شود پس از تولیدمثل، مرحله دوم تکثیر نسل که شامل تداوم نسل است در نوع بشر تحقق یابد (همان). اگرچه نمی‌توان منکر دشواری‌ها و محدودیت‌هایی شد که دوران زایمان، شیردهی و مراقبت و تربیت فرزندان بر زنان تحمیل می‌کند اما داشتن باوری محکم می‌تواند پشتوانه‌ای سترگ باشد تا زنان از عوارضی چون آشفتگی روانی، سرخوردگی، احساس پوچی و از خودبیگانگی دور باشند و مادر بودن را فعالیتی سخت و بی‌حاصل ندانند. فقط با بازیافتن جایگاه واقعی و مقدس مادری که با آموزه‌های دینی (لقمان: ۱۴ و مریم: ۳۲، ۳۱) (نوری، ۱۳۶۸) مطابقت دارد، زنان به ارزشمندی خود در این زمینه پی می‌برند و آن را شایسته می‌شمارند. با چنین نگرشی سختی‌های ناشی از آن قابل تحمل شده و رابطه مادری و فرزند به‌دوراز دادوستدهای مرسوم مادری خواهد شد (نوری، ۱۳۹۳). عوامل دیگری از قبیل ارتقای نقش و جایگاه مادران در جامعه، تحول نگرش‌ها و روش‌ها و محتوای آموزشی کتب درسی، ارزشمند جلوه دادن جایگاه مادری و وظایف مربوط به آن، تربیت و توانمندسازی جسمی، روانی و علمی دختران بالغ برای عهده‌دار شدن نقش مادری، معرفی الگوهای اسلامی و ملی از مادران نمونه، رد علمی شبهات و اندیشه‌های فمینیستی توسط صاحبان علم می‌تواند در تغییر این نگرش مؤثر باشد (همان).

۲-۸- ارزش‌گذاری نسبت به جایگاه فرزند

تغییر در نحوه ارزش‌گذاری والدین بر فرزندان یکی از دلایل تغییر باروری است که با هنجارها و عقاید فرهنگی و اجتماعی و ارزشی جامعه گره خورده است. به‌طور کلی، مجموعه کارکردهای مثبت و منفی هستند که والدین با داشتن فرزند دریافت می‌کنند، ارزش نامیده می‌شود. ارزش‌های مثبت، منافع داشتن فرزند و ارزش‌های منفی، هزینه‌های فرزند را دربر می‌گیرند. براساس نظریه انتخاب عقلانی، افراد، کنشگران هدفمندی هستند که به دنبال بهینه‌سازی منافع خویش هستند و کنشی را انتخاب می‌کنند که بهترین نتیجه را داشته باشد. البته این مفاهیم در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی بررسی شده و بیشتر رویکرد مادی دارد به‌طور مثال فریدمن^۱ (۱۹۹۴) با ارائه نظریه ارزش فرزندان بیان می‌کند فرزنددار شدن از علائق اولیه افراد است و ارزش کودکان منتج از ظرفیتشان برای کاهش عدم اطمینان برای زنان و افزایش انسجام زناشویی برای زوجین است. دسته‌بندی فاوست در ارزش عمومی پیوستگی و تداوم خانواده بر این نکته نیز تأکید دارد که فرزندان به تقویت و پیوند ازدواج والدین کمک می‌کنند، فرجام طبیعی ازدواج هستند و نام و سنت‌های

^۱ Freedman

خانواده را ادامه می‌دهند. همچنین نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی مطابق با دسته‌بندی فاست^۱ (۱۹۷۴) مهم‌ترین ارزش‌گذاری فرزندان توسط والدین، مونس و همدم بودن آن‌ها و باعث نشاط، افتخار و امیدواری، بوده است. همچنین در دسته‌بندی فاست، عامل تقویت و توسعه والدین؛ افزایش اعتمادبه‌نفس در والدین؛ در امان ماندن والدین از طعنه و کنایه مردم؛ باعث زیادت‌تر شدن اقوام؛ بالابردن حس مسئولیت‌پذیری والدین؛ ارضاکنده غریزه پدر و مادری؛ عصابودن برای والدین به‌وقت پیری، کمک در حل مشکلات خانه، همگی با آنچه بر اساس تئوری و مدل نظری فاست انتظار می‌رفت، انطباق داشته و مؤید تعریف فاست از ارزش مثبت فرزندان بوده است (هاشمی نیا و همکاران، ۱۳۹۶).

البته در بینش الهی، دیدگاهی و رای دیدگاه مادی وجود دارد و ارزش‌گذاری نسبت به فرزند، ارزش‌گذاری متفاوتی است. در این دیدگاه، انسان آیت خداوند و وجود فرزند مایه خیروبرکت دانسته شده است. آیات و روایات بسیاری نیز بر این مطلب اشاره دارد؛ تمنی و دعای برخی انبیای الهی برای فرزند داشتن (آل‌عمران: ۳، آیات ۳۸، ۳۹ و مریم: ۱۹، آیه ۵ و انبیاء: ۲۱، آیه ۸۹)، معرفی فرزند به ثمره قلب، نور چشم و گلی از گل‌های بهشت (کلینی، ۱۳۶۹) تشویق امت به فرزندآوری و مایه افتخار و مباحث بودن در قیامت (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵) همگی بی‌شک، مؤیدی بر این مدعا است.

۲-۸-۱- الگوی باروری در سطح سیاست‌های کلان

زمانی که دگرگونی‌های ساختاری (مانند صنعتی شدن و شهرنشینی و نظایر آن) در سطح کلان رخ می‌دهد دگرگونی‌های ایدئولوژیکی نیز در سطح کلان به وجود می‌آید. در سطح خرد نیز خانواده‌ها خود را با دگرگونی‌ها در سطح کلان انطباق می‌دهند (اعزازی، ۱۳۸۷). از این‌رو لازم است در سطح کلان سیاست نیز تغییرات ساختاری منسجمی صورت گیرد.

۲-۸-۲- تصمیم‌گیری درست اقتصادی، اجتماعی و سیاسی

یافته‌ها نشان داد که دسترسی افراد به منابع گوناگون اقتصادی و حمایتی تأثیرات متفاوتی بر نیات باروری آن‌ها دارد. در مجموع به نظر می‌رسد مشکلات اقتصادی و کاهش ثبات در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، یک عامل بازدارنده در جهت ترغیب به رشد جمعیت باشد؛ ضمن اینکه عادت مردم به تک‌فرزندی یا دو فرزندگی که طی بیش از دو دهه شکل گرفته به‌زودی از بین نخواهد رفت (عرفانی، ۱۳۹۱؛ طباطبایی یزدی و همکاران، ۱۳۸۶).

۲-۸-۳- حل مشکلات اقتصادی

در مطالعه اسحاقی و همکاران (۱۳۹۳) که در خصوص چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل انجام شد، آن‌ها هزینه‌های بالای زندگی را دلیل اشتغالشان عنوان نموده و تأکید کردند که به دلیل هزینه‌های بالای فرزندآوری، تمایلی به آن ندارند. در مطالعه یادشده چنین عنوان شد که از دیدگاه زنان شاغل سرپرستی و نگهداری از فرزندان مترادف است با صرف زمان و هزینه‌های اقتصادی. در مطالعه دیگر که با موضوع تعیین مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر الگوی باروری خانواده‌های تک‌فرزند و بدون فرزند در شهرکرد انجام شد دریافتند که کاهش میزان باروری، اثر متقابل شاخص توسعه اقتصادی و اقدامات دولتی است (مباشری، علیدوستی، حیدری شورجانی، خسروی، خلیفیان و جلیلیان، ۱۳۹۲).

بر مبنای نظریه هاروی لیبشتاین، منفعت و هزینه‌ی فرزندان، عواملی هستند که بر تصمیم‌گیری والدین در شمار فرزندان تأثیر می‌گذارند. چنانچه فرزند به‌عنوان کالایی که بتواند منبع لذت و تأمین و نگهداری والدین در سنین کهولت، بیماری یا ازکارافتادگی باشد (کالای مصرفی) و همچنین از آن بتوان به‌عنوان نیروی کار مجانی در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری استفاده کرد؛ منفعت و رضایت در باروری را به دنبال دارد (حسینی، ۱۳۸۶).

^۱ Fawceet

بر اساس پژوهشی، از میان کل دلایل اظهارشده برای نخواستن فرزند، «عدم توانایی برای تأمین هزینه‌های فرزند دیگر» (۲۷ درصد)، «داشتن تعداد موردنظر فرزندان» (۲۵ درصد)، «تداخل فرزندآوری با علایق، تفریحات و برنامه‌های کاری و تحصیلی» (۱۶ درصد) و «نگرانی نسبت به آینده‌ی فرزندان» (۱۵ درصد) به ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین دلایل نخواستن فرزند (فرزند دیگر) ذکر گردیده (عرفانی، همان) و طبق پژوهشی دیگر بیشترین درصد (۸۳.۳) افزایش هزینه‌ها و فشار اقتصادی، دلیل عدم باروری عنوان شده است (مباشری و همکاران، ۱۳۹۲). تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور جهت افزایش مهارت، تحصیل و آموزش باکیفیت فرزندان (مقصودپور، ۱۳۹۳) می‌تواند یکی دیگر از دلایل انصراف والدین از داشتن فرزندان بیشتر باشد.

هرچند برخی تحقیقات شرایط بد اقتصادی را عاملی در کاهش باروری نشان نداده‌اند (رشیدی، ۱۳۷۹) اما نمی‌توان نقش شرایط مطلوب اقتصادی را در افزایش باروری بی‌تأثیر دانست. از این رو لازم است دولت‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های کوتاه و بلندمدت، جهت امکانات رفاهی و اقتصادی اتخاذ کنند تا به بهبود روند فرزندآوری در خانواده‌ها کمک نماید.

۲-۸-۴- تسهیل فرآیند ازدواج

امروزه از موانع بزرگ ازدواج جوانان فراهم نبودن لوازم اقتصادی ازدواج و تشکیل زندگی از قبیل مراسم و خریدهای عروسی تا تهیه شغل و مسکن است که به مشکل بزرگ و مهم تبدیل شده است. در تحقیقات صورت گرفته در این زمینه رابطه منفی و معناداری بین سن ازدواج جوانان در هنگام ازدواج و تأخیر در فرزندآوری وجود داشته است (منتظری، ۱۳۹۵).

اگرچه راهکارهایی همچون ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب و حل مشکل مسکن برای جوانان توسط دولت، ترغیب خیرین برای کمک به ازدواج جوانان و... در یک‌زمان کوتاه وجود داشته است اما در بلندمدت، کارساز و قادر به حل این مشکلات نخواهد بود. چراکه لازمه اکتفا به اقدامات فوق سالیان سال مجرد ماندن جوانان برای به‌دست‌آوردن شرایط لازم است.

البته گفتنی است دین مبین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین، ازدواج را مشروط به متمکن بودن و دارا بودن شغل و مسکن و اسباب منزل ندانسته است و در صورت وجود مانع همچون مالی توصیه به نداشتن هراس از فقر و نداری و اقدام به ازدواج داشته است^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳). خداوند در قرآن برای پاسخ به این نیاز دستور صریح دارد (نور: ۲۴، آیه ۳۲). توصیه دین در خصوص این مسئله برای شرایط عادی، «استحباب ازدواج» (طباطبایی ایزدی، ۱۴۲۰) و در صورت احتمال آلوده شدن به گناه «وجوب ازدواج» (بنی هاشمی، ۱۳۸۵) است.

بنابراین شاید توجه به عواملی از جمله صورت گرفتن ازدواج بدون فراهم بودن مسکن مستقل و شغل مستقل در سایه توکل به خدا و تلاش نسبت به فراهم شدن آن‌ها بعد از ازدواج، ازدواج آسان در دوران دبیرستان و ماندن در منزل والدین با روابط کامل تا عروسی یا در صورت فراهم بودن شرایط دانشجویی، ازدواج در این دوران و زندگی در خوابگاه متأهلی، ازدواج با توافق خانواده دو طرف بر کمک مالی تا زمان استطاعت برای زندگی مستقل و همچنین مهریه پایین در مقابل جهیزیه مختصر ... بتواند در این زمینه به‌عنوان راهکارهایی اثربخش باشد.

۲-۸-۵- اصلاح سیاست‌ها

با شتاب گرفتن روند تحولات اقتصادی و اجتماعی تدریجاً (عباسی شوازی و عسگری ندوشن، ۱۳۸۴) جوامع به سمت صنعتی شدن گرایش پیدا کردند. از این رو شکل خانواده از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای تغییر یافت و متعاقب آن خانواده، پاره‌ای از کارکردهایش را از دست داد و نهادهای دیگر عهده‌دار انجام این کارکردها شدند. یکی از این دگرگونی‌ها تغییر شکل خانواده از واحد تولیدی و مولد بودن به یک واحد مصرفی است. بدین ترتیب خانواده با از دست‌دادن کارکردهای پیشین خود از قبیل مشارکت

۱. زَوَّجُوا أَيْمَانَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يُحَسِّنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَيُوسِّعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَيَزِيدُهُمْ فِي مَرْوَاتِهِمْ.

اقتصادی، فعالیت آموزشی و فرهنگی و روابط انسانی در واقع به ابزاری در دست سرمایه‌داران بزرگ تبدیل شد (فرهادیان، ۱۳۹۹). آنچه واضح است در مدل اقتصاد سرمایه‌داری، به‌منظور حفظ حیات خویش تلاش می‌شود به‌واسطه تحصیل درآمد بیشتر و لاجرم مصرف بیشتر، اشتباهی جامعه به سمت کامیابی بیشتر از زندگی تحریک شود تا در نتیجه به مصرف‌گرایی به حرکت درآید. مصرف‌گرایی نیز سبب افزایش هزینه است. به‌طور طبیعی وجود فرزندان زیاد، مصرف بیشتر و افزایش هزینه بالاتر را به همراه دارد و چون هدف انسان در دوران جدید، مصرف‌گرایی و افزون‌سازی بهره‌مندی از زندگی معرفی شده است، در این هدف فرزندآوری کمتر موردنظر قرار گرفته، خانواده‌ها ترجیح می‌دهند با داشتن فرزند کمتر و کاهش هزینه‌ها، مصرف بیشتر و در نتیجه رفاه و لذت افزون‌تری داشته باشند. این باور موجب کاهش باروری و در نتیجه سیر نزولی رشد جمعیت شده است؛ بنابراین فرآیند صنعتی شدن کارکردهای اقتصادی خانواده سنتی را دگرگون ساخته (جوکار، ۱۳۹۳) و تأثیر عمده‌ای بر کاهش میزان تولیدمثل داشته است.

مسئله دیگر در کاهش باروری، اجرای غلط سیاست‌های تنظیم خانواده در کشور و نگرش مثبت و پذیرش آن در سال‌های اخیر بوده است. نظریات اشاعه، بر گسترش ایده‌ها و هنجارهای اجتماعی و وسایل تنظیم خانواده از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباط اجتماعی خسارت بزرگی را به دنبال داشت. از مهم‌ترین نظریات منتشرشده، نظریه مالتوس بود که به رشد جمعیت نگاه بدبینانه‌ای داشت و آن را تهدید به حساب می‌آورد. براساس این دیدگاه، لازم بود خانواده‌ها به کنترل جمعیت و کاهش تعداد فرزندان تشویق شوند (حسینی، ۱۳۸۶). بر مبنای تئوری «منزلت اجتماعی» نیز، میزان باروری هر خانواده و جامعه، مبتنی بر جایگاه و منزلت والدین چنانچه فرزندآوری باعث حرکت صعودی خانواده شود آن را ادامه می‌دهد؛ ولی اگر آن را مانع پیشرفت و توسعه و موقعیت اجتماعی خود بداند باید آن را به طرق گوناگون کنترل کند (رشیدی، ۱۳۷۹)؛ اما آنچه روشن است سرمایه اصلی هر کشوری را جمعیت جوان و پویای آن تشکیل می‌دهد و در این راستا جوامع در معرض سالخوردگی جمعیت، مدام در تلاش‌اند تا با ارائه راهکار و بسته‌های تشویقی و حمایتی، زوجین را تشویق به زادوولد کنند. در ایران پس از آن که اجرای سیاست کنترل جمعیت، زنگ خطر سالخوردگی را به صدا درآورد، باید تلاش‌های مهمی در جهت پیشگیری از این معضل صورت بگیرد.

۲-۹- حل مشکلات مربوط به ناباروری و نازایی

یکی از عوامل مؤثر در کاهش زادوولد مشکلات ناباروری در زنان و مردان است که صرف هزینه‌های گزافی را جهت درمان طلب کرده و می‌تواند باعث ازهم‌گسیختگی ثبات خانواده گردد. یک زوج، زمانی از نظر بالینی نابارور محسوب می‌شوند که طی یک سال مقاربت بدون پیشگیری، باروری حاصل نگردد (محمدی و خلیج آبادی فراهانی، ۱۳۸۰). مطالعه در سال ۸۴-۸۳ برای بررسی شیوع ناباروری اولیه نشان داد که حدود یک‌چهارم از زوج‌های ایرانی ناباروری اولیه را در طول زندگی مشترک خود تجربه می‌کنند و در هر مقطع زمانی ۳/۴ درصد از زوج‌ها دارای مشکل ناباروری اولیه هستند (وحیدی و اردلان علی، ۱۳۸۵).

عوامل متعددی می‌توانند باعث ایجاد ناباروری در زوجین گردند. این علل عبارت‌اند از اختلالات اسپرم (۳۵ درصد زوجین نابارور)، اختلالات تخمدان (۲۰ درصد) و اختلالات لوله رحمی (۳۰ درصد) و سایر علل (۱۵ درصد) (بهجتی اردکانی و همکاران، ۱۳۸۶) و از همه مهم‌تر عامل تغییر شیوه زندگی که به‌مرور به انواع عوامل گوناگون خطرناک محیطی افزوده شده و منجر به بروز انواع اختلالاتی در ارگان‌های مختلف بدن انسان می‌شود. ترکیبات زیان‌بار نظیر سرب، استفاده از آب شرب آلوده به مواد مضر شناخته شده و شناخته نشده حاصل از صنایع گوناگون نظیر ترکیبات آرسنیک، کروم، بنزین و غیره، آب‌وخاک کشاورزی آلوده به سموم دفع آفات و کودهای شیمیایی و به‌تبع آن محصولات زراعی آلوده، استفاده از هورمون‌ها و داروهای گوناگون در صنعت پرورش دام و طیور و وجود بقایای آن‌ها در صنایع لبنی و گوشتی، همچنین قرار گرفتن طولانی‌مدت در معرض امواج موبایل و امواج ساطع شده از فرستنده‌های مخابراتی از عواملی هستند که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم بر کاهش باروری تأثیر می‌گذارند (سروری، نادری، حیدری،

زرنانی، جدی تهرانی، صادقی و همکاران، ۱۳۸۹). لازم است در این زمینه نیز دولت اقداماتی انجام دهد و سیاست‌های حمایتی ویژه‌ای اتخاذ کند.

۲-۱۰- آگاهی دادن نسبت به آسیب‌های تک‌فرزندی (در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، تربیتی، اقتصادی و...)

تغییر در میزان باروری یک جامعه از اهمیت فراوانی برخوردار است و این موضوع در کوتاه و یا بلندمدت، در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و سیاسی تأثیرگذار بوده، تبعات فراوانی به دنبال دارد. اولین تأثیر چنین تغییراتی را می‌توان در حوزه اقتصادی بررسی کرد؛ زیرا باروری تأمین‌کننده نیروی کار در هر جامعه است و کاهش چشمگیر در نرخ باروری در طولانی‌مدت، ممکن است جامعه را با کمبود نیروی کار مواجه سازد؛ آسیب جدی پیری جمعیت و ورود به کهن‌سالی، بحران سالمندی را به دنبال خواهد داشت که این دوره از زندگی خطرات و مشکلات خاص خود را دارد و بنابراین در خانواده‌های کم‌جمعیت و تک‌فرزند، یگانه فرزند خانواده می‌بایستی به تنهایی همه این هزینه‌ها را متحمل شود (همان).

باروری از نظر اجتماعی، تأمین سلامت خانواده و نظام خویشاوندی را در پی داشته و کاهش نرخ باروری، نظام خانواده و خویشاوندی را با تهدید روبه‌رو خواهد ساخت. یکی از موارد اهمیت و ارزش فرزندان، امنیت افزایی فرزندان در کانون خانواده است. وجود فرزندان در خانه، سپر حمایتی زن و مرد در برابر طلاق و موجب امنیت بنیان خانواده از فروپاشی است (ملکوئی نیا، ۱۳۹۳). اختلال در ارتباط با خویشاوندان و کاهش صلح‌رحم نیز از جمله مشکلات تک‌فرزندی می‌باشد چراکه ارتباط خویشاوندی محدود به ارتباط با پدر و مادر می‌شود و بسیاری از این فرزندان به دلیل نداشتن عمو، دایی، خاله، عمه، برادر و خواهر، چنین ارتباطی را نیازموده‌اند دچار اختلال می‌شوند. از سوی دیگر این فرزندان بیشتر وقت خود را با رسانه‌ها و در فضای مجازی سپری می‌کنند. نبود هم‌بازی افزون بر آن‌که شادابی طبیعی را در این خانواده‌ها کم می‌کند حاکمیت رسانه پررنگ‌تر می‌کند بنابراین احتمال بیش‌تری می‌شود که هویت فرزندان بر اساس آموزه‌های رسانه‌های مدرن و استکباری شکل گیرد.

باروری از لحاظ جمعیتی و استراتژیکی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا کاهش شدید آن ممکن است بقای نسل، تداوم و امنیت جامعه را به خطر اندازد. همان‌طور که از آموزه‌های دینی استفاده می‌شود، داشتن فرزند آثار متعددی از جمله اقتدار والدین به دنبال دارد (اسراء: ۱۷، آیه ۶) و ائمه اطهار پیروان خود را به ازدیاد نسل تشویق (مجلسی، ۱۴۰۳) و فرزند را بازوی والدین معرفی کرده‌اند (همان). یکی از پایه‌های اصلی قدرتمندی والدین فرزند است طبیعی است که اگر تعداد فرزندان بیشتر باشد والدین قدرتمندتر خواهند بود. از سوی دیگر ایستادگی جامعه اسلامی در برابر تجاوز استعماری به گوهر عمل و ایمان جوانان فداکار وابسته است. سرانجام باروری از نظر عاطفی و تربیتی برای خانواده دارای اهمیت است: تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد که زوج‌های بدون فرزند، در سنین پیری، حمایت اجتماعی و علقه‌های احساسی کمتری دارند (محمدی، رستگار خالد، ۱۳۹۴).

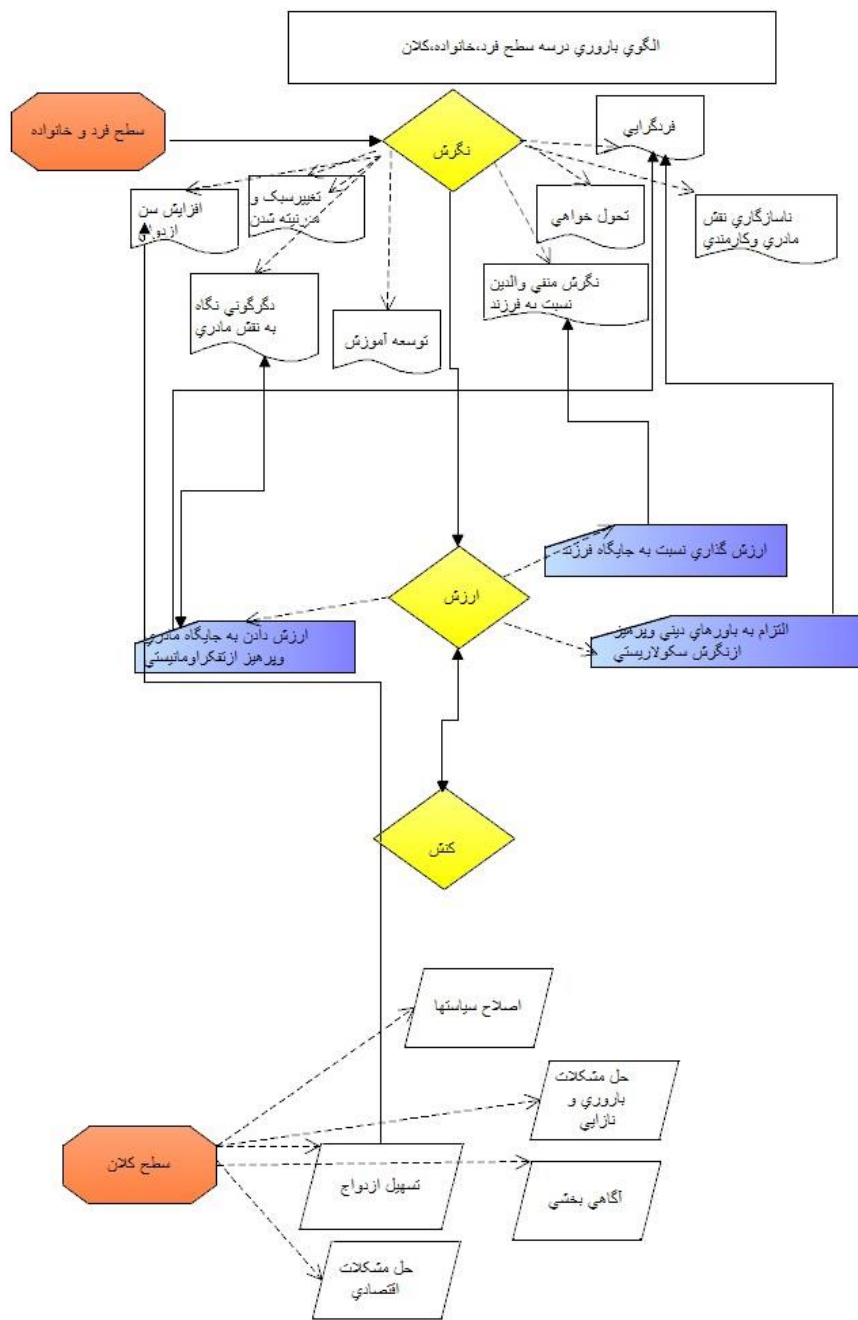
یکی از آسیب‌ها و خطرات تک‌فرزندی در بعد تربیتی؛ فرزندسالاری است. فرزندان خانواده‌های کم‌جمعیت به فرزندسالاری می‌رسند و جامعه‌پذیری متفاوتی را می‌آموزند زیرا امکانات خانواده بر فرزند کمتری متمرکز می‌گردد و پدر و مادر با حمایت و توجه بیشتری از آن‌ها نگهداری می‌کنند. محوریت یافتن شادکامی فرزندان و در کانون توجه قرارگرفتن خواسته‌های آنان، هزینه شدن بیشتر امکانات خانواده برای خشنودی فرزندان و در نتیجه کاهش بعد نظارتی والدین از ویژگی‌های فرزندسالاری در خانواده‌ها است (ملکوئی نیا، همان). خانواده‌های تک‌فرزند و کم‌جمعیت به‌خاطر حاکمیت فرزندسالاری و سیطره فرزند بر فعالیت‌های فردی و اجتماعی‌شان، ممکن است ناسازگاری اخلاقی و اجتماعی را تجربه کنند. چون خانواده‌های پرجمعیت به دلیل کمبود امکانات به‌نوعی از انواع نظم‌یازمندند که نتیجه آن کامیابی‌ها و موفقیت‌ها در کسب فضائل اخلاقی است؛ زیرا در این خانواده‌ها فرزندان می‌آموزند که در برابر هم‌بردباری بورزند، قناعت و از خودگذشتگی پیشه کنند و حقوق یکدیگر را پاس بدارند و نظارت والدین را بپذیرند (همان، ص ۷۳).

۳- روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی و فراتحلیلی می‌باشد. با توجه به هدف پژوهش که بررسی عوامل مؤثر در باروری در حوزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی و تبیین الگویی برای خانواده در زمینه باروری با استناد بر شواهد معتبر و با تکیه بر آموزه‌های دینی بود، پس از گزینش و گردآوری پژوهش‌ها از میان آن‌ها، آن دسته از مواردی که با ملاک‌های تحقیق هماهنگی لازم را داشتند، نمونه‌گیری به عمل آمد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی مقالات علمی است که در یک دهه اخیر درباره عوامل مؤثر در باروری در حوزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی صورت گرفته است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش ترکیبی از شیوه‌های گوناگون دستیابی به مقالات علمی بود به این صورت که از تمامی مقالات موجود در پایگاه داده‌های SID، smagiran و noomags استفاده شد. جهت انتخاب مقالات از کلیدواژه‌های الگوی باروری، استنادات قرآنی، فراتحلیل، نگرش، کنش، ارزش در بانک مقالات ذکر شده، جست‌وجو و برای ورود به تحلیل انتخاب شدند. در نهایت ۱۰۲۸ مقاله انتخاب که از این تعداد، ۵۸ مقاله با توجه به موضوع و عدم تکراری بودن برای پژوهش مورد تحلیل قرار گرفت.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که طی چند دهه اخیر تغییرات سریعی در رفتارها و نگرش‌های باروری رخ داده‌است. بافت سنتی خانواده نیز آمیزه‌ای از تداوم و تغییر را تجربه کرده‌است و در نهایت نتیجه می‌گیرد که سرعت شدید کاهش باروری را نمی‌توان تنها به تغییر اشکال سنتی خانواده ارتباط داد، زیرا کاهش سریع باروری ملازم با تحولات سریع در عناصر سنتی حیات خانواده نبوده است. نتایج به دست آمده، نشانگر آن است که افزایش سطح تحصیلات والدین به ویژه مادران و کاهش مرگ‌ومیر فرزندان از دیگر عوامل در کاهش میزان باروری زنان در ایران است. همچنین این مطالعات نشان می‌دهد که احتمال افزایش نرخ باروری با افزایش درآمد خانوار در طبقات بالا و پایین افزایش و در طبقه متوسط کاهش می‌یابد. ظهور فردگرایی به عنوان یکی از مهم‌ترین الگوهای توسعه‌ی غربی و خصایص جامعه مدرن از عوامل مهم و اثرگذار بر گسترش کنش کم‌فرزندآوری زنان است. همچنین یکی از عوامل مؤثر در کاهش باروری در سال‌های اخیر بالارفتن سن ازدواج است. از آنجایی که زندگی زنان شاغل با تولد اولین فرزند به شدت دگرگون می‌شود. مادران شاغل با دو نقش روبه‌رویند که گاهی اوقات این نقش‌ها در تضاد با هم قرار دارند: نقش شاغلی و نقش مادری. افزایش مشارکت زنان اگرچه منشأ بهبود کیفیت زندگی و پیشرفت اجتماعی زنان شده‌است اما کاهش باروری را به دنبال داشته‌باشد. به‌طور کلی الگوی باروری شامل مجموعه‌ای از مفروضات نگرشی در حیطه باورهاست که بازتاب‌دهنده هنجارهای آن فرد و جامعه است. میان متغیرهای فردگرایی، مدرنیزاسیون، دین‌داری، سکولاریسم و ارزش‌های خانوادگی در خانواده‌ها و باروری رابطه کاملاً معناداری وجود دارد؛ به این معنا که هر چه میزان التزام به باورهای دینی خانواده بیشتر، سطوح سکولاریسم و فردگرایی کمتر، میزان توجه به ارزش‌های خانوادگی بیشتر باشد، نرخ باروری در آن خانواده‌ها بیشتر می‌شود. در این میان مدرنیزه شدن و تبعات متأثر از آن بر خانواده و به ویژه زنان سهم زیادی در تغییر نگرش‌ها داشته است. با تغییر در نگرش‌ها و باورها، تغییر در ارزش‌ها ایجاد می‌شود و به دنبال آن تغییر در کنش به وجود می‌آید. در ادامه الگوی باروری در سه سطح به ترسیم درآمده است. در این الگو تغییر در نگرش، ارزش و کنش از مهم‌ترین اصول به حساب می‌آید.



شکل ۱. الگوی باروری در سه سطح فرد، خانواده و کلان

۵- تقدیر و تشکر

تقدیر و تشکر از همه دوستان و همکارانی که در نوشتن این مجموعه ما را یاری رساندند.

۶- منابع

- ۱- ابن ابی جمهور، م. (۱۴۰۵). *عوالی اللئالی*. مطبعه سید الشهدا. قم.
- ۲- ابوت، پ. و والاس، ک. (۱۳۷۶). *درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی*. ترجمه خراسانی، م.، و احمدی، ح. انتشارات دنیای مادر. تهران.
- ۳- احمدی‌فراز، م.، عابدی، ح.، و آذربزین، م. (۱۳۹۳). تبیین تجارب زنان شاغل پیرامون نقش مادری: یک پژوهش کیفی پدیدارشناسی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۲، ۱۴۸-۱۳۷.
- ۴- اسحاقی، م.، محبی، ف.، پاپی‌نژاد، ش.، و جهاندار، ز. (۱۳۹۳). چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل در یک مطالعه کیفی. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، ۱۲(۱)، ۱۱۱-۱۳۴.
- ۵- اعزازی، ش. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان. تهران.
- ۶- آرون، ر. (۱۳۸۷). *سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه پرهان، ب. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران.
- ۷- بنی‌هاشمی، م. ح. (۱۳۸۵). *توضیح المسائل سیزده مرجع*. جلد ۲. چاپ دوازدهم. انتشارات اسلامی. قم.
- ۸- بهجتی اردکانی، ز.، عباسی شوازی، م. ج.، شیدفر، ف.، معینی، م.، و آخوندی، م. م. (۱۳۸۶). تأثیر افزایش سن در باروری و باروری جایگزین. *فصلنامه پایش*، ۶(۴)، ۳۳۱-۳۴۵.
- ۹- پروینیان، ف.، رستم‌علیزاده، و.، و حبیبی، ر. (۱۳۹۷). تأثیر سبک زندگی امروزی زنان بر میزان فرزندآوری؛ مطالعه موردی شهر قزوین. *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، ۹(۴)، ۳۹-۷۲.
- ۱۰- ترابی، ف. (۱۳۹۰). تأملی بر پایان‌نامه تأخیر ازدواج و کاهش باروری در ایران. *کتابنامه علوم اجتماعی*، ۴۲ و ۴۳، ۹۸-۱۰۰.
- ۱۱- جوکار، م. (۱۳۹۳). مدرنیته و تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۲(۲)، ۳۹-۶۹.
- ۱۲- جهانگیری، ج.، احمدی، ح.، طبیعی، م.، و ملتفت، ح. (۱۳۹۳). برساخت فهم زنان تک‌فرزند از چالش‌های فرزندآوری مشارکت‌کنندگان زنان تک‌فرزند شهر اهواز. *فصلنامه توسعه اجتماعی*، ۹(۱)، ۸۵-۱۱۰.
- ۱۳- چلبی، م. (۱۳۸۶). *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*. انتشارات نی. تهران.
- ۱۴- حر عاملی، (۱۴۱۴ ق)، *وسایل الشیعه*، ج ۲۰، قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ دوم.
- ۱۵- حسینی حاتم و بیگی، ب. (۱۳۹۱). تعیین‌کننده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی تمایات فرزندآوری زنان همسر دار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی-درمانی همدان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*، ۱(۱)، ۴-۱۲.
- ۱۶- حسینی، ح. (۱۳۸۶). *درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده*. چاپ سوم. انتشارات دانشگاه بوعلی. همدان.
- ۱۷- خدیوزاده، ط.، و ایرانی، م. (۱۳۹۵). ارتباط بین باورهای دینی و رفتارهای باروری در زنان سنین باروری شهر مشهد در سال ۱۳۹۵. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۲۸(۱۶۷)، ۱۳۳-۱۴۴.
- ۱۸- راد، ف.، و ثوابی، ح. (۱۳۹۴). بررسی گرایش به باروری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مطالعه موردی زنان متأهل ۱۵-۵۰ ساله ساکن شهر تبریز). *مطالعات زن و خانواده دور*، ۳(۱)، ۱۲۷-۱۵۵.

- ۱۹- رزاقی نصرآباد، ح. ب. (۱۳۹۵). چگونگی تأثیرگذاری تحصیلات زنان بر تأخیر در فرزندآوری نتایج یک مطالعه کیفی در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۵(۲۰)، ۱۶۷-۱۹۰.
- ۲۰- رشیدی، ا. (۱۳۷۹). بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی مؤثر بر باروری در شهر دهقان اصفهان. *مجله جمعیت*، ۴(۳۳ و ۳۴)، ۲۱-۱.
- ۲۱- رضایی‌نسب، ز. و فتوحی، س. (۱۳۹۶). بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار باروری در بین زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر ایلام. *فصلنامه علمی ترویجی فرهنگ ایلام*، ۱۸(۵۴ و ۵۵)، ۱۱۲-۱۳۳.
- ۲۲- سرایی، حسن، (۱۳۸۷)، گذار جمعیتی دوم، با نیم‌نگاهی به ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۱۸-۱۴۰.
- ۲۳- سروری، ع.، نادری، م.، حیدری، م.، زررانی، ا.، جدی‌تهرانی، م.، صادقی، م.، و آخوندی، م. (۱۳۸۹). عوامل خطرساز محیطی و کاهش باروری در مردان و زنان. *فصلنامه باروری و ناباروری*، ۱۱(۴)، ۲۱۱-۲۲۶.
- ۲۴- سفیری، خ.، کمالی، ا.، و فرجی، ا. (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی نگرش مثبت به فرزند. *فصلنامه علمی پژوهشی شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ۱۹(۷۵)، ۸۵-۱۰۹.
- ۲۵- سلیمانی، م.، کیانی، م.، و عابدی، ا. (۱۳۹۸). بررسی آثار فقر ذهنی بر تلقی انسان از منافع و هزینه‌های باروری (رویکرد درون دینی). *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۷(۱۶)، ۴۹-۶۹.
- ۲۶- شاه‌آبادی، ز.، سرایی، ح.، و خلج‌آبادی فراهانی، ف. (۱۳۹۲). نقش فردگرایی در قصد باروری زنان در شرف ازدواج (مطالعه شهرستان نیشابور). *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۸(۱۶)، ۲۹-۵۴.
- ۲۷- شفیعی سروستانی، ا. (۱۳۹۲). بایسته‌های تغییر سیاست جمعیتی با تأکید بر نقش رسانه ملی. *مجله معرفت*، ۲۳(۱۸۹)، ۲۵-۴۴.
- ۲۸- شیرینی، ط.، و بیداریان، س. (۱۳۸۸). بررسی عوامل اقتصادی جمعیتی مؤثر بر باروری زنان (۱۵-۴۹) سال شاغل در آموزش و پرورش منطقه ۲۲ تهران. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، ۳(۳)، ۹۳-۱۰۷.
- ۲۹- صادقی، ر. (۱۳۹۵). تحلیل بسترهای اجتماعی فرهنگی کاهش باروری در ایران. *فصلنامه راهبردی اجتماعی*، ۵(۲۰)، ۲۱۷-۲۴۶.
- ۳۰- صادقی، ر.، و شهابی، ز. (۱۳۹۸). تعارض کار و مادری: تجربه گذار به مادری زنان شاغل در شهر تهران. *فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰(۱)، ۹۱-۱۰۴.
- ۳۱- ضیایی بیگدلی، م.، کلانتری، ص.،، علیزاده اقدم، م. (۱۳۸۵). رابطه بین میزان باروری کل و توسعه اقتصادی و اجتماعی. *فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۵(۵)، ۱۲۳-۱۴۰.
- ۳۲- طباطبایی ایزدی، ک. (۱۴۲۰). *عروه‌الوثقی*. جلد ۵. انتشارات اسلامی. قم.
- ۳۳- طباطبایی یزدی، م.، پاشاشریفی، ح.، و فتاح، ن. (۱۳۸۶). مطالعه‌ی روند افزایش دانشجویان دختر نسبت به پسر و سهم عوامل مؤثر بر این روند. همایش سراسری آموزش عالی در هزاره سوم.
- ۳۴- عباسی شوازی، م. ج.، حسینی چاوشی، م.، مک‌دونالد، پ.، و دالور، ب. (۱۳۸۳). *تحولات باروری در ایران: شواهدی از چهار استان منتخب*. انتشارات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. تهران.
- ۳۵- عباسی شوازی، م. ج.، و حسینی چاوشی، م. (۱۳۹۰). تحولات باروری تنظیم خانواده و سیاست‌های جمعیتی در ایران. *فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی*، ۱۵(۳)، ۸-۲۵.
- ۳۶- عباسی شوازی، م. ج.، و عسگری ندوشن، ع. (۱۳۸۴). تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران، مطالعه موردی استان یزد. *نامه علوم اجتماعی*، ۳(۲۵)، ۳۵-۷۶.

- ۳۷- عباسی‌شوازی، م. ج.، و فیروز کاوه، ز. (۱۳۸۱). تغییر سیاست‌های کنترل جمعیت و تأثیر آن بر تحولات ایران. همایش جمعیت‌شناسی ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ۳۸- عباسی‌شوازی، م. ج.، و علی مندگاری، م. (۱۳۸۹). تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آن‌ها در ایران. پژوهش زنان، ۱(۱)، ۵۱-۳۲.
- ۳۹- عبودی، س. (۱۳۹۲). بررسی جمعیت در استان فارس در پی تأکیدات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، اداره کل ثبت‌احوال استان فارس.
- ۴۰- عرفانی، ا. (۱۳۹۱). *نیات باروری مردم تهران*. مرکز مطالعات جمعیتی آسیا - اقیانوسیه.
- ۴۱- عنایت، م.، و پرنیان، ل. (۱۳۹۲). مطالعه رابطه مجانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزند آوری. فصل‌نامه پژوهشی زن و جامعه ۴(۲)، ۱۰۹-۱۳۶.
- ۴۲- فرهادیان، ف. (۱۳۹۹). *اشتغال زنان و آثار و پیامدها*. انتشارات حیات طیبه. قم.
- ۴۳- فطرس، م. ح.، نجمی، م.، معمارزاده، ع. (۱۳۹۶). تحلیل ارتباط میان نرخ اشتغال زنان و میزان باروری (مطالعه موردی: ایران). زن در سیاست و توسعه، ۱۵(۳)، ۳۱۱-۳۲۵.
- ۴۴- قرآن. ترجمه فولادوند
- ۴۵- کلاتری، م.، بیک محمدی، ح.، و زارع شاه‌آبادی، ا. (۱۳۸۴). عوامل جمعیتی مؤثر بر باروری زنان یزد در سال ۱۳۸۳. پژوهش زنان، ۳(۲)، ۱۳۷-۱۵۶.
- ۴۶- کلینی، م. ی. (۱۳۶۹). الکافی. جلد ۵. دارالتعارف المطبوعات. بیروت.
- ۴۷- لطیف‌نژاد رودسری، ر.، جعفری، ح.، تقی پور، ع.، خادم، ن.، و ابراهیم‌زاده، س. (۱۳۹۲). بررسی رابطه باورهای دینی با نگرش زوجین ناباور نسبت به روش‌های اهدایی کمک باروری و انتخاب آن به‌عنوان یک رویکرد درمان ناباروری. *فصلنامه زنان و نازایی مامایی ایران*، ۱۶(۴۴)، ۱-۱۰.
- ۴۸- مباشری، م.، علیدوستی، م.، حیدری شورجانی، س.، خسروی، ف.، خلفیان، پ.، و جلیلیان، م. (۱۳۹۲). مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر الگوی باروری خانواده‌های تک‌فرزند و بدون فرزند. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه ایلام*، ۲۱(۶)، ۶۳-۷۰.
- ۴۹- مجلسی، م. ت. (۱۴۰۳). *بحارالانوار*. جلد ۱۰۰. چاپ سوم. دارالاحیاء التراث. بیروت.
- ۵۰- محمدی، م.، رستگار خالد، ا. (۱۳۹۴). تغییرات فرهنگی و اُفت باروری در ایران (برپایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶(۲).
- ۵۱- محمدی، م.، خلیج آبادی فراهانی، ف. (۱۳۸۰). مشکلات عاطفی و روانی ناشی از ناباروری و راهکارهای مقابله با آن. *باروری و ناباروری*، ۲(۴)، ۳۳-۳۹.
- ۵۲- مرادی، گ.، و صفاریان، م. (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان مطالعه موردی شهر کرمانشاه. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۲(۸)، ۸۱-۱۰۸.
- ۵۳- مشفق، م.، و غریب عشقی، س. (۱۳۹۳). تحلیلی بر رابطه ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ۵۸، ۱۲۰-۹۳.
- ۵۴- مقصدپور، م. ع. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر کاهش نرخ باروری در ایران از دیدگاه علم اقتصاد در دوره زمانی (۱۳۶۵-۱۳۹۰). *مجله اقتصادی*، ۶(۵)، ۸۳-۱۰۰.
- ۵۵- ملکوتی‌نیا، ع. (۱۳۹۳). آسیب‌های اخلاقی کاهش جمعیت فرزندان. *مجله مبلغان*، ۱۸۱، ۶۵-۷۴.

- ۵۶- منتظری، ع. (۱۳۹۵). بررسی میزان تمایل به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم شهری و روستایی ایران. پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی معاونت پژوهش و فناوری.
- ۵۷- نوری، ا. (۱۳۹۳). نقش مادری در آموزه‌های قرآنی. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۲(۲)، ۷۱-۹۲.
- ۵۸- نوری، ح. (۱۳۶۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. جلد ۱۵. موسسه آل‌البیت(ع). قم.
- ۵۹- وحیدی، س.، اردلان علی، م. ک. (۱۳۸۵). بررسی شیوع ناباروری اولیه در جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۸۴-۱۳۸۳. *باروری و ناباروری*، ۳، ۵۱-۲۴۳.
- ۶۰- هاشمی‌نیا، ف.، رجبی، م.، و یاراحمدی، ع. (۱۳۹۶). بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان (مورد مطالعه: زنان ۴۹-۱۵ ساله شهر شیراز). دوره ۲۸، شماره ۲، شماره پیاپی ۶۷، صفحه ۶۱-۷۸، پاییز ۱۳۹۶.
- 61- Wood, G. J., & Newton, J. (2006). Childlessness and women managers: 'Choice', context and discourses. *Gender, Work & Organization*, 13(4), 338-358.
- 62- Freedman, D. (1994). A Theory of the Value of Children. *Demography*, 31(3): 94-375.
- 63- Fawcett, J. (1974) "The Value Of Children In Asia And The United States", East- West population Institute, No. 32

Explaining the family pattern in fertility with an analytical approach and referring to Quranic teachings

Fatemeh Farhadian^{*1}, Narges Afshar²

1. MA and Lecturer of Isfahan Seminary, Isfahan, Iran. (Corresponding Author).
f.farhadyan.169@gmail.com
2. MA and Lecturer of Isfahan Seminary, Isfahan, Iran.
Nargesafshar2006@gmail.com

Abstract

According to the data published by various demographic organizations, the fertility rate is decreasing worldwide in many countries, including Iran; This can be due to several reasons. Besides, the cultural transformations during the last few decades, among other changes, stand out the most. The growth of individualism and humanistic thoughts, changes in beliefs and attitudes, the growth of secularism, transformation in family values, and reformation are among the most important developments related to fertility. This research aims to study the influential factors in fertility in the individual, family, and social spheres, also explaining a model for the family in the field of fertility based on reliable evidence and relying on religious teachings. Therefore, the research method in this study is qualitative and analytical. The research results showed a significant relationship among the individualism variables, modernization, religiosity, secularism, and family values in families and fertility; In this sense, the higher the level of commitment to the religious beliefs of the family, the lower the levels of secularism and individualism, and the higher the level of attention to family values, the higher the fertility rate in those families. In the meantime, modernization and its consequences on the family, especially women, have contributed to changing attitudes. Therefore, the most important principle is the change in three factors; attitude, belief and value. And action at the individual, family, and society levels. Attitudes form over time and a transformational process. Then, they become beliefs and values, and finally, actions. So once they are formed, it is simply not possible to change them. Therefore, effective measures must be formed in this field.

Keywords: fertility pattern, Quranic references, analysis, attitude, action, value



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)